



مهرداد فلاحتگر درگذشت

مهرداد فلاحتگر، بازیگر سینما و تلویزیون پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری سرطان در سن ۶۶ سالگی درگذشت. پیکر او امروز در بابل به خاک سپرده خواهد شد. این بازیگر سینما و تلویزیون که متولد سال ۱۳۳۸ در بابل بود، ابتدا فعالیت هنری خود را در تئاتر آغاز کرد، سپس وارد سینما و تلویزیون شد. فلاحتگر با سریال «گل‌های سیاه» در سال ۱۳۷۱ به کارگردانی مرحوم «ساموئل خاچیکیان»، در یکی از نقش‌های اصلی وارد قاب تلویزیون شد. در سال ۱۳۷۵ وقتی ۳۷ ساله بود، نقش سینوئه در سریال «یوسف پیامبر» را بازی کرد. او در فیلم‌هایی چون «زیر پوست شهر»، «اژانس شیشه‌ای»، «بودن یا نبودن»، «کار کثیف» و... ایفای نقش کرده است. در کارنامه کاری فلاحتگر، بازی در مجموعه‌های تلویزیونی ازجمله «مردان آنجلس»، «بچه مهندس»، «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» و «زیر خاکی» هم دیده می‌شود.



تحریم جشنواره موسیقی در حمایت از فلسطین

تعدادی از گروه‌های موسیقی در اعتراض به ممانعت از حضور یک گروه ایرلندی حامی فلسطین در جشنواره موسیقی انگلیس، این جشنواره را تحریم کردند. بعد از آنکه مسئولان جشنواره «ویکتوریوس» انگلیس به گروه موسیقی فولکلور ایرلندی «ماری والوپز» به‌دلیل برافراشتن پرچم فلسطین و سر دادن شعار فلسطین آزاد اجازه شرکت ندادند، گروه‌های «لاست دینر پارتی»، «کلیفورز» و «آکادمیک» از این جشنواره انصراف دادند. براساس گزارش سایت شبکه خبری «الجزیره»، برگزارکنندگان جشنواره در توجیه این اقدام خود در ابتدا ادعا کردند که این گروه ایرلندی به‌دلیل سردادن شعارهای تبعیض‌آمیز که با سیاست جشنواره مغایرت داشته و برافراشتن پرچم که در جشنواره ممنوع بوده، حذف شدند. این گروه ایرلندی نیز در واکنش به ممانعت از حضورش در جشنواره و بیانیه آن اعلام کرد: «این جشنواره بیانیه گمراه‌کننده‌ای را برای مطبوعات منتشر کرد و مدعی شد که ما را به‌دلیل شعار تبعیض‌آمیز، نه فراخوان گروه ما برای آزادسازی فلسطین، از برنامه حذف کرده است.»



انتصاب شورای سیاست‌گذاری جشنواره تئاتر فجر

اعضای شورای سیاست‌گذاری چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر منصوب شدند. به گزارش روابط عمومی اداره‌کل هنرهای نمایشی، نادره رضایی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی احکامی جداگانه و براساس آیین‌نامه برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، اعضای شورای سیاست‌گذاری این رویداد ملی و بین‌المللی را منصوب کرد. براین اساس رضا مردانی، علی منتظری (رئیس جهاد دانشگاهی)، اکبر زنجانیور، شیرین بزرگمهر، شهرام گیل‌آبادی، بهزاد آقاجمالی، نسیم ادبی، حمیدرضا آذرنگ، مریم رحیمی، بابک صبور، افرا فروز و ماهان عبداللهی، اعضای شورای سیاست‌گذاری چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را تشکیل می‌دهند. چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد.

فرهنگ

۱۴

CULTURE



جغرافیای امید از نغمه تا کلامه

نگاهی به پروژه‌ی موسیقی «دستگاه‌های موسیقی ایران» به آهنگسازی و تألیف حسین علیزاده

ایرانی به‌شمار می‌آید. روایت‌های میرزا عبدالله و آقا حسینقلی در قرن گذشته و پس از آن تلاش‌های علی‌نقی وزیری، ابوالحسن صبا، نورعلی برومند و عبدالله دوامی در قرن بیستم، ردیف را به‌شکلی مدون و قابل آموزش درآورده است، ابشخوری که هم‌چنان موسیقی ایران و نوازندگان از آن بهره‌های بسیار می‌برند.
بالبین حال ضبط‌های صورت‌گرفته در سده اخیر عمدتاً رویکردی آموزشی داشتند؛ تک‌صدایی، خشک و بیشتر مناسب هنر جوانان تاشنوندگان عادی، همین امر باعث شده بود که ردیف برای بسیاری از علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی، مجموعه‌ای دشوار و تخصصی جلوه کند.

در چنین بستری، علیزاده تصمیم گرفت ردیف را در قالبی تازه و شنیدنی عرضه کند. سال ۱۳۹۸، هم‌زمان با آغاز دورانی بحرانی در تاریخ معاصر ایران که هم با اعتراضاتی خونین همراه بود، هم پاندمی نه‌فقط این کشور که کل جهان را در تیررس خود قرار داده بود، حسین علیزاده پروژه‌ای را آغاز کرد که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین رویکردها به ردیف موسیقی ایرانی در دهه‌های اخیر دانست. شرایط اجتماعی و تاریخی سال‌های پس از آن و بالخصوص، محدودیت‌ها و فشارهای روانی ناشی از بیماری و انزوا، فضای کار جمعی را ناممکن می‌نمود، اما آهنگ‌ساز کهنه‌کار، با پشتکار و اعتقادی که در تمام سال‌های فعالیت‌اش دیده می‌شود، توانست گروهی از نوازندگان و خوانندگان جوان را گرد هم آورد و پروژه‌ای وسیع را سامان دهد؛ پروژه‌ای که حاصل آن مجموعه‌ای ماندگار، کاربردی، خلاقانه و نفیس است که به جامعه موسیقی ایران تقدیم شده است.

علیزاده برای نیل به این هدف، بیش از ۴۵ هنرمند جوان و باتجربه را گرد هم آورد تا سرپرستی و حضورش، اثری متفاوت خلق شود. ضبط قطعات به‌صورت گروهی (آنسامبل) صورت گرفت؛ رویکردی که هم نیازمند توانایی تکنیکی بالای نوازندگان بود، هم تمرکز و تعهدی جدی به کار جمعی.

▼ نوآوری، ویژگی پیوسته‌ی استاد ردیف‌دان

اگر به کارهای حسین علیزاده از همان اوان جوانی تا سال‌های اخیر نگاه کنید، در کنار تمایز ویژگی‌های موسیقایی با یک اصل همیشگی روبه‌رو می‌شوید: «نوآوری» و استاد آهنگ‌ساز در ردیف خود نیز از این موضوع بهره جست. در این مجموعه، دستگاه و آواز تنها به‌صورت یک روایت خطی و با هدف آموزشی تدوین نشده‌اند، بلکه هم‌چون یک کنسرت کامل، طراحی و اجرا شده است. ساختار هر بخش شامل پیش‌آمد، تصنیف، چهارمضارب، رنگ و ساز و آواز است؛ درست همان‌گونه که در یک اجرای زنده‌ی موسیقی دستگاهی انتظار داریم. این رویکرد، برخلاف ضبط‌های کلاسیک ردیف که اغلب در فضای «تک‌صدایی» شکل می‌گرفتند، به‌شونده امکان می‌دهد که ردیف را به‌مثابه‌ی یک جریان زنده‌ی موسیقایی تجربه کند. به بیان دیگر، ردیف در این پروژه از موقعیت «کتاب درسی» بیرون آمده و به عرصه‌ی «اجرا» وارد شده است. آوازه‌ها در این مجموعه جایگاهی کاملاً ویژه یافته‌اند. بیات ترک، ابوعطا، افشاری، دشتی و اصفهان هر یک با استقلال کامل و باتوجه به تمام جزئیات گوشه‌ها اجرا شده‌اند و این یکی دیگر از نقاط تفاوت ردیف علیزاده با دیگر ردیف‌های موسیقی ایران است. در بسیاری از روایت‌ها، آوازه‌ها به‌صورت حاشیه‌ای و گاه ناقص ارائه شده‌اند و ردیف‌دان بیشتر به جنبه‌ی آموزشی توجه داشته تا به تجربه‌ی شنیداری، اما در این پروژه، آوازه‌ها با تمام رنگ‌ها و ظرفیت‌های بیانی‌شان ضبط شده‌اند؛ گویی برای نخستین بار، شنونده فرصت دارد تا آوازه‌ها را همان‌گونه که در سنت شفاهی با تمام غنا و تنوع‌شان وجود دارند، در قالبی امروزی و شنیدنی درک کند. این انتخاب هوشمندانه‌نه‌تنها به حفظ وازنمایی بخش‌های کمتر شنیده‌شده‌ی ردیف کمک می‌کند، بلکه جایگاه آوازه‌ها را در کنار دستگاه‌های اصلی برجسته می‌سازد و به‌آن ه‌احیائی دوباره می‌بخشد.



سما بابایی

نویسنده موسیقی

در نخستین روز شهریورماه، استاد «حسین علیزاده» ۷۴ساله شد. در تاریخ معاصر موسیقی ایران، نام این موسیقیدان بزرگ، افزون برآن که نقطه عطفی در تکامل هنر موسیقی دستگاهی شناخته می‌شود، به‌عنوان یکی از اندیشمندان و پژوهشگرانی مطرح است که همواره پروژه‌های موسیقایی خود را در امتداد گفتمان فرهنگی و اجتماعی بنا نهاده است، کافی است به تاریخ انتشار «عصیان» توجه کنید یا «نی‌نوا» و روزگار خلقی آن در دهه‌ی غریب ۶۰ و «ترکمن» و آن «فریاد»ی که با شجریان سر داد و هر اثر دیگرش؛ موضوعی که بسیاری دیگر از هنرمندان، عاری از آن هستند و گاه به این مسئله نیز تفاخر می‌کنند که هنرشان برای مردمان خاص ساخته می‌شود و لا‌زمان است و لامکان.

علیزاده اما، هرگز موسیقی را یک سرگرمی زیباشناختی ندانسته است، بلکه آن را زبان اندیشه و کنش اجتماعی تلقی کرده، این رویکرد، در تمام این سال‌ها، او را به جایگاه روشنفکری رسانده که با استفاده از سرمایه‌ی هنری اش، در پی بازاندیشی جایگاه هنر در جامعه‌ی ایرانی بوده است. او همواره کوشیده تا نوعی «اصلاح فرهنگی» را در میدان موسیقی دنبال کند و برای این منظور از هر چه توانسته، بهره جست؛ اصلاح در آموزش، اصلاح در نحوه‌ی عرضه‌ی موسیقی با تاکید بر کار گروهی و خلق تجربه‌های جمعی و اصلاح در نگاه عمومی به سنت با طرح این ایده که سنت، نه شیئی موزه‌ای، بلکه زبانی زنده و در حال تکامل است.

به‌قول «فرخزاد لایق»، نقد حسین علیزاده دشوار است. این دشواری نه از سر کین یا مبالغه، بلکه از عمق و جدیت کار اوست. او اینک پاره‌ای از «تاریخیت» ماست؛ نقده او، نقد خویشتن است، با همه‌ی تلخی و تلون هایش. دقیقاً از همین منظر است که باید او را نقد کرد؛ زیرا بی نقد علیزاده، از فهم مرتبت کنونی مان عاجزیم و در گم‌گشتگی متأخرومکرمان فرومانده ایم.

او در دوره‌ی جوانی خود، یکی از اعضای اصلی جریان چاووش بود؛ پدیده‌ای فرهنگی ـ هنری که اگر چه عمر چندانی نداشت، اما در همان فاصله‌ی اندک، توجه جامعه را به ظرفیت تبلیغی موسیقی ایرانی معطوف کرد. این جمع با استفاده از ردیف موسیقی سنتی و در عین حال با فهمی عمیق از مسائل جامعه، آهنگ‌ها و تصانیفی آفرید که هم‌زمان حامل هویت ملی، روایت اجتماعی و سویی‌ای زمانی بودند، درواقع شاید مهم‌ترین ویژگی علیزاده و آن چه او را متمایز می‌سازد، در این نکته نهفته باشد که استاد آهنگ‌ساز موسیقی را یک کنش و تعامل زنده با زمان، مخاطب و متن اجتماعی می‌بیند. او در طول بیش از پنج دهه فعالیت فراگیر، در مقام آهنگساز، نوازنده (تار، سه‌تار)، پژوهشگر موسیقی و استاد دانشگاه، نقشی تأثیرگذار در احیای ردیف موسیقی ایرانی و بازتعریف آن در قالبی معاصر ایفا کرده است و در کنسرت‌ها، آثار ضبط‌شده و نگارش‌های تحقیقاتی اش نشان داد که نگاه به ردیف نباید به درون گرایي و نازک‌نگری صرف محصور بماند، بلکه «می‌تواند» و «باید» به‌مثابه‌ی «زبان مشترک» و «فضای گفت‌وگوی تاریخی» عمل کند. پژوهش‌های او در تبیین گوشه‌ها، فرم‌های دستگاهی و ساختار مدال ایرانی پایه‌گذار بسیاری از دوره‌های آموزشی و نظام تحلیل ردیف در دهه‌های اخیر بودند و هم‌اکنون انتشار پروژه موسیقی «دستگاه‌های موسیقی ایران» شاهدهی دیگر بر این مدعاست.

▼ آغاز یک راه دشوار

ردیف موسیقی دستگاهی ایران میراثی است که از قرن سیزدهم هجری تا امروز سینه‌به‌سینه منتقل شده و ستون فقرات موسیقی

▼ پیوند شعر و موسیقی

یکی از جنبه‌های درخشان و کم‌سابقه‌ی این مجموعه، پیوند مستقیم شعر و موسیقی است. در این پروژه، سیروس جمالی، شاعر، موسیقی‌دان و از شاگردان حسین علیزاده، برای آوازه‌ها و تصنیف‌ها متنی تازه و اختصاصی سروده است؛ متونی که هم کیفیت ادبی مستقل دارند، هم دقیقاً برای نیازهای موسیقایی همین پروژه نوشته شده‌اند. در توضیحات ناشر پروژه نیز تصریح شده که شعرها «یک‌به‌یک» برای هر گوشه، آواز و تصنیف ساخته شده‌اند. سیروس جمالی از نوجوانی ردیف و نوازندگی تار و سه‌تار را نزد داوود آزاد، سپس نزد حسین علیزاده پی گرفته و سال‌هاست که به سرودن شعر مشغول است. همین تربیت دوگانه (شعر و ردیف) سبب شده تا بتواند زبان شعر را به‌طور آگاهانه با دستگاه‌ها و گوشه‌ها پیوند دهد. در تاریخ ضبط ردیف، غالباً اجراها بی کلام هستند و برای مثال مجموعه‌های ردیف‌نوازی تار /سه‌تار خود استاد علیزاده در مؤسسه‌ی ماهور نیز به همین شکل است و در این میان اگر هم آوازی در کار است، متنی شعر از شاعران کلاسیک می‌آید و معمولاً اشاره‌ی مستقیمی به نام گوشه ندارد. در پروژه‌ی کنونی اما شعرها هم قدیم موسیقی هستند و با نام و ظرفیت معنایی گوشه‌ها روبه‌رو می‌شوند و به‌شونده سرنخ می‌دهند که «این ملودی» از کجا آمده و چه عالمی را می‌گشاید. این هم‌نشینی هدفمند شعر و «هویت نام‌دار» گوشه‌ها، به‌گواه معرفی رسمی پروژه و شواهد انتشاری، در مقیاس یک چرخه‌ی کامل دستگاه‌ها کم‌سابقه است. برای درک عرف رایج ضبط ردیف می‌توان به آلبوم‌های آموزشی /تحلیلی ماهور نگاه کرد که تمرکز اصلی‌شان بر بیان ساز و معرفی ساختاری گوشه‌هاست.

چنین تلفیقی سبب می‌شود تا «اسم قطعه» به‌مثابه یک قالب حافظه در ذهن شنونده باقی بماند. نام گوشه در شعر می‌نشیند و برای هنر جو به قالب یادیار تبدیل می‌شود و در چنین شرایطی هنر جو به‌جای حفظ صرف توالی گوشه‌ها، «کلام معنادار» مرتبط با هر گوشه را نیز به ذهن می‌سپارد؛ این یعنی رمزگذاری دوگانه (شنیداری /زبانی) و افزایش دقت در بارش‌ناسی شخصیت مدال هر گوشه. چنین رویکردی از طرفی به درک «منطق درونی» ردیف منجر می‌شود. شعرهای گوشه‌محور به‌هنر جو کمک می‌کند که بفهمد چرا از گوشه‌ای به گوشه‌ی دیگر می‌رویم و چه حال و هوایی باید حمل شود. این کار، گذارهای مدال و مقام‌گردی را از حالت انتزاعی خارج و به تجربه‌ای معنادار بدل می‌کند.